

یک‌شنبه ۲ تیر ۱۳۹۸ • ۱۹ شوال ۱۴۴۰ • ۲۳ ژوئن ۲۰۱۹

خبر کوتاه

آینده سانچو: دور تموند، بهترین گزینه

پپ گواردیولا علاقه چندانی به حرف زدن از جیدون سانچو و اتفاقاتی که منجر به خروج او از منچستر سیتی و پیوستنش به بوروسیا دورتموند شد ندارد. مربی سابق بارسلونا و بایرن مونیخ در کنفرانس مطبوعاتی‌اش در آگوست ۲۰۱۷ گفت: «وقتی بازیکن بگوید نه، نه، نه، دیگر هیچکاری از دست هیچکس برنمی‌آید. هر تصمیمی در فوتبال دوطرفه است.»

حقیقت ماجرا هم همین است و هر داستانی دو روی مختلف و گاهی متفاوت دارد. سانچو در ۱۷ سالگی تصمیم گرفت محیط منش در انگلیس و لیگ برتر را ترک کند و برای پیشرفت راهی دورتموند شود. نتیجه این تصمیم در فصلی که گذشت ۱۲ گل و ۱۸ پاس گل در بوندسلیگا و قرار گرفتنش در تیم منتخب سال بود. دیگر محصول مهم چند سال اخیر آکادمی سیتی فیل فودن است. فودن با اینکه فصل پیش همراه با تیمش سه‌گانه داخلی را برد، اما تنها هشت با ۹۰ دقیقه کامل بازی کرد، در حالیکه سانچو حالا مهره‌ای ثابت برای باشگاه و تیم ملی‌اش به حساب می‌آید.

سانچو فوتبالیستی است بسیار بالغ‌تر از سنش. روی دست سچپ او خالکوبی‌ای دیده می‌شود، که اتفاقی تازه برای بازیکنان امروزی نیست. اما در مورد سانچو این داستان فرق می‌کند. خالکوبی او شعری است که خودش نوشته، برای برادر کوچکش که وقتی پنج ساله بوده درگذشته: «من و تو همیشه با هم خواهیم بود. ما می‌خواستیم کنار هم جام ببریم و تو حالا رفت‌ای و چه کاری از دست من برمی‌آید؟» سانچو تمام انگیزه خودش را برادرش می‌داند: «می‌خواهم باعث افتخارش بشوم.»

وینگر ۱۹ ساله انگلیس احساس دین زیادی نسبت دورتموند دارد، برای همین است که تمام شایعاتی که درباره انتقال او در این تابستان به باشگاهی دیگر به گوش می‌رسد، دور از واقعیت به نظر می‌رسد.

گواردولا شاید بهترین گزینه برای مربیگری پدیده‌های جوان باشد، استعدادهای نابی که نسلی یک بار در فوتبال انگلیس متولد می‌شوند. اما سانچو به هیچ وجه قصد بازگشت به سیتی را ندارد. او می‌داند گواردیولا مربی‌ایست که فقط و فقط یک فرصت به شاگردانش می‌دهد و اگر از این فرصت جوری که مدنظرش است استفاده نشود آینده‌ای بیشان در کار نخواهد بود. این اتفاقی بود که در بایرن مونیخ برای تیاگو آلکنترا و هم‌تراز آن در بارسلونا برای زلاتان ایبراهیموویچ رخ داد.

منچستر یونایتد باشگاهی است که بیش ز بقیه تمایل به خرید سانچو دارد، اما وضعیت شفته آن‌ها و جستجوی ناخرام‌شان برای پیدا کردن یک مدیر ورزشی و سر و سامانی به نقل و انتقال‌اشان دادن، امکان این ترنسفر را به قبل از پیش کم می‌کند. لیورپول نیازی به سانچو ندارد. چلسی با محرومیت از ورود به بازار نقل و انتقال روبروست. انتتاهم باید تمام ساختار ملی باشگاه را به هم بریزد تا وارد این بازی شود و آرسنال هم حالا از نظر سانچو یک قدم رو به عقب است، نه جلو.

خارج از انگلیس، رئال مادرید بخش اصلی خریدهایش را انجام داده و ستاره بعدی مورد نظرشان هم کیلین امپابه یا نیمار است. باشگاه‌های ایتالیایی هم هیچکدام توانایی مالی پرداخت چیزی نزدیک ۱۰۰ میلیون یورو را ندارند. حتی یوونتوس، متمول‌ترین باشگاه لیگ، هم بعد از خرید کریستیانو رونالدو، با احتیاط زیادی دست به خرج کردن نمی‌زند. بایرن مونیخ در این میان هم پولش را دارد و هم تجربه ربودن ستاره‌های دورتموند یکی بعد از دیگری را. اما به نظر می‌رسد هدف بایرنی‌ها در این تابستان گرت بیل باشد.

در این شرایط بهترین گزینه برای پیشرفت سانچو و یک قدم جلوتر گذاشتنش همان باقی ماندن در دورتموند است. لوسین فاور، مربی‌ای که تخصص در رشد دادن استعدادهای جوان دارد، قراردادش را با باشگاه تمدید کرده. جولین برت و تورگن ازارد به جمع ستاره‌های جوان دورتموند اضافه شده‌اند. حتی متس هوملز هم به تیم سابقش بازگشته تا دورتموند برای فصل آینده یک بار دیگر آماده به چالش کشیدن بایرن شود.

سانچو در ۱۹ سالگی هنوز فرصت زیادی برای پیشرفت دارد و آینده بسیار درخشانی در انتظارش است، آینده‌ای که فعلا به نظر می‌رسد در وستگالن رقم بخورد.

دخیا- یونایتد؛ ماندگار می‌شود

روزنامه انگلیسی سان می‌گوید داوید دخیا قصد دارد با قبول پیشنهاد منچستریونایتد آینده بلندمدت خود با این باشگاه مرتبط کند. از سوی دیگر یونایتد هم حاضر شده با تقاضاهای دستمزد دخیا موافقت کند و به او دستمزد هفتگی ۳۵۰ هزار پوندی پرداخت کند. این در حالی است که PSG اخیرا تلاش زیادی برای جذب دروازه‌بان اسپانیایی یونایتد انجام داده بود. اما این گزارش‌ها در حالی است که یونایتد اوایل سال جاری میلادی وقتی دخیا و یونایتد نتوانستند بر سر تمدید قرارداد او به توافق برسند، به نظر می‌رسید جدایی او از یونایتد قطعی باشد و از پاری سن ژرمن به عنوان محتمل‌ترین مقصد سنگربان اسپانیایی یاد می‌شد.

اما حالا سان می‌نویسد که باشگاه منچستریونایتد مذاکرات خود با دخیا را دوباره آغاز کرده و آماده است با درخواست دستمزد او یعنی دستمزد هفتگی ۳۵۰ هزار پوندی موافقت کند تا دخیا را برای پنج سال دیگر در اختیار داشته باشد و خیالش از آینده سنگربان اصلی‌اش راحت شود. دخیا که قرارداد فعلی‌اش با یونایتد تابستان سال آینده به پایان می‌رسد در ماه‌های گذشته حاضر نشده بود قرارداد جدیدی با دستمزد ۳۰۰هزار پوندی امضا کند. این در حالی است که دخیا در حال حاضر ۲۰۰هزار پوند در هفته از یونایتد دستمزد می‌گیرد.

منچستر یونایتد یکی از بدترین فصلوش در دهه‌های اخیر را پشت‌ سر گذاشت. یونایتدی‌ها در رقابت برای فتح هیچ جامی قرار نگرفتند و لیگ برتر را در رده ششم، با پنج امتیاز اختلاف نسبت به رده چهارم به پایان بردند و سهمیه چمپیونز لیگ را از دست دادند.

یونایتد فصلی که گذشت را با ۳۲ امتیاز کمتر از منچستر سیتی قهرمان به پایان برد. فاصله‌ای دقیقاً مشابه با کاردیف رده ۱۸امی و سقوط کرده. این جایگاه آن‌ها را ناگجایابی قرار داد که با لطف بدترین آمار مدافع‌اشان در تاریخ لیگ برتر، با ۵۴ گل خورده، به دست آمد. نمک روی زخم برای قرمزپوشان اولدترافورد و هواداران‌شان فتح سه‌گانه داخلی توسط سیتی و کسب ششمین قهرمانی اروپا برای لیورپول بود. یونایتد همچنان پرافتخارترین تیم داخلی محسوب می‌شود، اما تعداد قهرمانی‌های اروپایی سنتی‌ترین رقیب آن‌ها حالا دو برابرشان شده و همشهری‌شان لقب اولین تیمی را گرفته که هر سه جام داخلی را فتح کرده است.

برای پشت سر گذاشتن این دوران و فراموشی چنین فصلی قطعاً نیاز به بازسازی‌ای اساسی در اولدترافورد احساس می‌شود، به خصوص وقتی به یاد پیاوریم خریدهای تابستانی قبلی یونایتد دیوگو دالو، لی گرت و فرد بوندن، بازیکنانی ۷۵ میلیون پوند برای باشگاه هزینه برداشتند و تأثیر خاصی روی تیم جدیدشان نداشتند.

اما اگر بر اساس گزارش‌های منتشر شده بودجه اوله گونار سولشر در این تابستان تنها ۱۰۰ میلیون پوند باشد، اصلا شروع چنین پروسه بازسازی‌ای امکان دارد؟ کمی بیش از یک هفته به شرو

انتخاب مائوریتزیو ساری به عنوان مربی یوونتوس و اعلام رسمی‌اش بیشتر از آنچه انتظار می‌رفت به طول انجامید. تقریباً یک ماه بعد از قطع همکاری با مکنس الگری، یوونتوس همچنان بدون مربی بود و برای همین بود که برخی‌ها در ایتالیا به شوخی می‌گفتند این باشگاه دیگر نیازی به این پست ندارد؛ آندره آنیلی نقل و انتقالات را به دست می‌گرفت و بازیکنان ترکیب و سیستم را انتخاب می‌کردند و تماشاگران با فشار دادن دکمه‌ای در استادیوم تعویض‌ها را انجام می‌دادند.

در واقعیت اما یوونتوس با دیدی منطقی صبر پیشه کرده بود. چلسی در فینالی اروپایی حاضر بود و بعد درگیر مذاکره برای فروش اندن ازارد به رئال مادرید شده بود. اما بعد از روشن شدن تکلیف این ترنسفر بزرگ یوونتوس به هدفش رسید و در این راه رابطه حسنه‌اش با باشگاه چلسی را هم حفظ کرد، رابط‌ای بنا شده بر احترام متقابل.

انتخاب ساری از منظر یوونتوس شباهت‌های زیادی به انتخاب الگری، پنج سال پیش، برای جانشینی آنتونیو کونته دارد. میلان الگری سال ۲۰۱۲ پا به پای یوونتوس برای فتح اسکودتو چنگیده بود. ناپولی ساری هم دو فصل پیش با کسب ۹۱ امتیاز حکم لیورپول این فصل برای منچستر سیتی را داشت. نمایش ناپولی در این دوران مشخصاً مورد توجه مدیران یوونتوس قرار گرفته بوده. پس انتخاب مربی‌ای که کاملاً ساری را می‌شناسد و شاید بعد

از آریگو ساکی مدرن‌ترین و پیشروترین ذهن فوتبالی این سرزمین را در اختیار داشته باشد، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، نه؟ پس چرا نشست ساری روی نیمکت بیانکونری چنین ریسک بزرگی احساس می‌شود؟

شعار یوونتوس همیشه این بوده: «بردن مهربنر عامل نیست، بلکه تنها عامل مهم است». شیوه بردن هیچوقت برای این غول‌های تورینی اهمیتی نداشت، رویکردی که الگری کاملاً با آن همسو بود، رویکردی که برای ساری اما قابل قبول نیست. در فصلی که این دو مربی برای اسکودتو علیه هم می‌جنگیدند هم بارها الگری به ساری طعنه رده بود که سبک و زیبایی فوتبال را باید در افتخارات ثبت شده دید. پس عجیب نیست اگر تصور کنیم الگری چندان از انتخاب ساری برای جانشینی‌اش دل خوشی نداشته باشد. در نقطه مقابل

خیلی‌ها «آنخل دی‌ماریا» را به عنوان یکی از

معدود بازیکنان خوش‌شانسی می‌شناسند که هم در کنار «کریستیانو رونالدو» بازی کرده و هم «لیونل مسی»؛ برخی به ناگهانی‌اش در «منچستریونایتد» اشاره می‌کنند و برخی دیگر خاطرات درخشش بی‌نظیرش در فینال لیگ قهرمانان اروپا ۲۰۱۴ را به یاد می‌آورند. در این بین گل صدود او با پیراهن آرژانتین در مرحله یک‌هشتم‌ جام جهانی ۲۰۱۴ و روزهایی که در راه رسیدن به قله قدم برمی‌داشت گویی از ذهن مردم پاک شده و اکنون فقط حضورش در کنار CRV و LM۱۰ در خاطرات باقی مانده اما حقیقت امر این‌ست که بدون او شاید سرنوشت این دو قوی‌ستاره جور دیگری رقم می‌خورد.

در سال ۱۹۹۲ بود که تیم «روزاریو سنترال» برای جذب کودکی چهار ساله به نام «آنخل دی‌ماریا» به باشگاه «تورینو» رقم قف فسخ قرارداد پرداخت کرد تا استعداد این جذب کند. استعدادی که بعدها با لباس تیم ملی کشورش در رقابت‌های جام‌جهانی ریز ۲۰ سال حاضر شد اما بین وینگر و مربیان همانند او تک فرصتی مناسب محسوب می‌شد تا توجه استعدادیاب‌های تیم‌های بزرگ را به خود معطوف کنند.

همان‌طور هم شد و استعدادیاب‌ها جوان لاغر اندامی را دیدند که در مرحله یک‌هشتم نهایی برابر لهستان و در نیمه‌نهایی برابر شیلی گلزنی کرد و در پایان تورنمنت مدال طلا را بر گردنش آویخت. برخی از آنها با دیدن چنین استعداد نابایی به سرعت اطلاعاتش را به باشگاه‌های خود ارسال کردند و خواستار عقد قرارداد با او شدند؛ باشگاه‌هایی از جمله «بوکاجونیورز» و «آرسنال» ولی این «بنفیکا» بود که

نیز با ۱۵میلیون پوند او را به پرتغال کشاند. از آن به‌روز تفاوت بسیار وجود دارد. در سال ۲۰۰۷ وینگر ۱۹ ساله توانایی‌های خود را در «روزاریو» به اثبات رسانده بود و جام‌جهانی برای دی‌ماریا و بازیکنان همانند او تک فرصتی مناسب محسوب می‌شد تا توجه استعدادیاب‌های تیم‌های بزرگ را به خود معطوف کنند.

اندامی را دیدند که در مرحله یک‌هشتم نهایی برابر لهستان و در نیمه‌نهایی برابر شیلی گلزنی کرد و در پایان تورنمنت مدال طلا را بر گردنش آویخت. برخی از آنها با دیدن چنین استعداد نابایی به سرعت اطلاعاتش را به باشگاه‌های خود ارسال کردند و خواستار عقد قرارداد با او شدند؛ باشگاه‌هایی از جمله «بوکاجونیورز» و «آرسنال» ولی این «بنفیکا» بود که



اردوی پیش‌فصل یونایتد مانده و تنها بازیکن جدید این اسکواد دنیل جیمز ۲۱ ساله است، وینگری که با مبلغ ۱۵ میلیون پوند راهی اولدترافورد شده. یونایتد برای فصل جدید بازیکنان باتجربه‌ای به جمله ماروان فلینی، آندر هررا و آنتونیو والنسیا را از دست داده و نیازی جدی برای پر کردن جای خالی آن‌ها دارد. با اینکه قراردادهایی در این میان تمدید شده‌اند، از جمله خوان ماتا، اشلی یانگ، فیل جونز و کریس اسمالینگ، اما آینده بازیکنانی بسیار کلیدی‌تر مثل مارکوس رشفورد، داوید دخوا، روملو لولاکو و پل پوگبا هنوز مشخص نیست.

رئال مادرید، دیگر نام بزرگ اروپایی که فصلی فاجعه‌بار را پشت سر گذاشت، از همین حالا خودش را برای فصل جدید آماده کرده و پنج بازیکن جدید



خریده که قیمت‌شان روی هم مرز ۳۰۰ میلیون یورو را رد کرده، بازیکنانی از جمله اندن ازارد و لوکا یوویچ. یونایتد اما همچنان در تلاش برای خرید شان لانگاستف، ارون ون-بیساکا و هری مگوایر است، آن‌هم با استراتژی‌ای غلط.

در دوران پس-اسر الکس فرگوسن، یونایتد به باشگاهی تبدیل شده که بیشتر از آنچه باید برای ترنسفرهایش پرداخت می‌کند. این بدنامی او دودودارد را در تابستان جاری به این نتیجه رسانده که راهی کاملاً برعکس را طی کند، راهی که البته مسلمانا نتیجه‌ای جز شکست در پیش نخواهد داشت. پیشنهاد یونایتد برای خرید مگوایر از لیستر سیتی ۴۰ میلیون پوند بود، در حالیکه آن‌ها به چیزی پایین‌تر از ۸۰ میلیون فکر نمی‌کنند. داستان خرید ون-بیساکا هم

به نظر می‌رسد باشگاه برای مرحله بعدی پیشرفتش، بعد از تغییر

استادیوم، لوگو و پیراهن، حالا دنبال تغییر دی‌ان‌ای‌اش است و آماده استقبال از ایده‌های رمانتیک ساری و این باور که برای جاودانه شدن فقط بردن کافی نیست، بلکه شیوه آن هم به همان اندازه اهمیت دارد. اما حرف از این ایده بسیار سخت‌تر از عملش است. آخرین باری که بیانکونری چنین رویکرد انقلابی‌ای پیش گرفت به سال ۱۹۹۰ برمی‌گردد. در آن دوران تحت تأثیر جوی که ساکی در سری آ پدید آورده بود، اینکه «برای سوار کار بودن لازم نیست قبلیش اسب باشی»، یوونتوس از دینو زوف، مرد فوتبالی کلاسیک و سنتی گذشت، و رو به جی‌جی مایفردی آورد. اما مایفردی که پیش از آن شراب و شامپاین‌فروش بود، به هیچ وجه موفق نشد افتخاراتی که ساکی با میلان به دست آورد را روی نیمکت یووه تکرار کند و خیلی زود در این ماجراجویی جدید شکست خورد تا بیانکونری نزدیک سه دهه دیگر حتی فکر چنین انتخاب‌هایی را هم از سر دور کند.

البته شرایط سال ۱۹۹۰ با شرایط امسال به هیچ وجه یکسان نیست. یوونتوسی که با مایفردی لیگ را در رده هفتم به پایان رساند، با اینکه مدافع عنوان قهرمانی جام یوفا و کوپا ایتالیا بود، سال‌ها برای فتح سری آ در تلاشی ناموفق به سر می‌برد. تیمی که به ساری رسیده اما فاتح هشت اسکودتوی پیاپی است، تیمی که فصل پیش اولین بار در پنج سال اخیر دستش از دوگانه داخلی کوتاه ماند.

البته اولین تابستان نقل و انتقالات بدون بیه ماروتا در این دوران هم عاملی است که باعث نگرانی هواداران بیانکونری شده. بدون معمار و مغز متفکر احیای یوونتوس در یک دهه اخیر، حالا پاول ندود، نایب رئیس باشگاه و فابیو پاراتیچی، مدیر ورزشی آن باید لیاقت خودشان در جانشینی ماروتا را به اثبات برسانند.

ساری تمام امکانات برای رسیدن به موفقیت در یوونتوس را در اختیار دارد، اما نباید از این تغییر فرهنگی و سبکی هم به سادگی گذشت. چندتا مربی در تاریخ فوتبال بوده‌اند که چون پوهان کرویف در بارسلونا و آرسن ونگر در آرسنال، دی‌ان‌ای باشگاه جدیدشان را برای همیشه تغییر دادند؟ آیا ساری موفق خواهد شد تصویر و باور خودش از فوتبال را از ناپولی به یوونتوس منتقل کند؟ با اینکه ساری با چلسی قهرمان یوورپا لیگ شد و بعد از سیتی و لیورپول ساری در حال تغییر داد.»

پس از گذشت چند هفته از تور پیش فصل، از سمت خود برکنار شد! دی‌ماریا در سال ۲۰۱۸ در مصاحبه‌ای گفت: «وقتی به بنفیکا رفتم ۱۹ سال داشتم و برای دو فصل به ندرت بازی کردم. پدرم از کارش استعفا داد تا با من به پرتغال بیاید و کیلومترها دورتر از ما مدرم کنار من باشد. شب‌های بسیاری صدای گریه‌های او پشت تلفن را می‌شنیدم که با مادرم صحبت می‌کرد و از دلتنگی بی‌سارش برای او سخن می‌گفت. خیلی مواقع رفتمم به بنفیکا یک اشتباه بزرگ به نظر می‌آمد چرا که من ابتدا بازی نمی‌کردم اما المپیک ۲۰۰۸ زندگی من را به طور کل تغییر داد.»

بازی در اواسط نیمه دوم بدون گل در جریان برای خود در ترکیب بنفیکا دست و پا کند، در تصمیمی دور از انتظار برای المپیک ۲۰۰۸ یکن به تیم ملی کشورش دعوت شد و آرژانتین با شکست دادن برزیل که او سخن می‌گفت، ترکیبش می‌دید که به فینال رسید، جایی که تیم ملی «نایجریه» در ورزشگاه «آشیانه پرند» برای جدال سر مدال طلا انتظارش را می‌کشید.

بازی در اواسط نیمه دوم بدون گل در جریان بود تا اینکه آنخا با سرعت بالایش ناگهان ظاهر شد و از پاس دقیق «لیونل مسی» بهترین بهره ممکن را برد. او خود را به پاس عمقی می‌رساند و توپ را به تور دروازه نایجریه می‌کشد تا المپی سلسسته با مدال طلا به خانه بازگردد. ستاره آرژانتینی درباره آن بازی می‌گوید: «هرگز آن را فراموش نخواهم کرد. در آن تورنمنت من فرصت پیدا کردم تا کنار لوک بازی کنم، او یک نابغه و فرامیزی است. لذتبخش‌ترین فوتبالی بود که بازی کردم. تمام کاری که باید انجام می‌دادم من به سمت فضاها بود. من می‌دویدم و توپ به پای من می‌رسید؛ همانند یک جادو.»

با این حال دی‌ماریا همچنان در سطح باشگاهی یک بازیکن فیکس نبود؛ نه «خوزه آنتونیو کاماچو» و نه «کیکه سانچز فلورس» به او برای حضور در ترکیب اصلی اعتماد نمی‌کردند اما با آمدن «خورخه خسوس» امیدواری در چشم‌های ستاره آرژانتینی دیده شد. ترکیب بنفیکا با هدایت خسوس مشکل از «ژولیو سزار»، «رامیرس» و «ساولو» – سه خرید تیم جدید – و البته برخی بازیکنان تیم در پست‌هایی متفاوت نسبت به قبل بود و به این ترتیب تیم‌های با بازیکنی جانشین به بازیکنی کلیدی تغییر ماهیت داد.

با بازی در جناح راست، وینگر آرژانتینی توانست تکنیکش را بهتر از گذشته به نمایش بگذارد، از پای

دقیقاً وارد همین وادی شده و بعید است نتیجه دلخواه وودوارد را به همراه بیاورد.

ژوزه مورینیو فصل پیش نیاز خودش به خرید حداقل یک مدافع مرکزی درجه یک را بیان کرد، خواسته‌ای که بهش نرسید و مشکلاتشان با باشگاه در نهایت باعث اخراج او در ماه دسامبر ۲۰۱۸ شد. سولشر هم مشخصاً دنبال تقویت تیمش در این پست است و در ضمن نیاز حیاتی به خرید یک مدافع راست قابل اطمینان را هم احساس می‌کند.اما مسئله اینجاست که مگوایر و ون-بیساکا با قیمتی که کریستال پالاس و لیستر رایشان گذاشته‌اند نزدیک ۱۲۵ میلیون پوند برای یونایتد هزینه خواهند داشت، بودجه‌ای که گویا در اختیار سولشر نیست.

حتی اگر فرض کنیم مگوایر و ون-بیساکا هم راهی یونایتد شوند، شیاطین سرخ اولدترافورد هنوز در مرکز زمین نیاز به تقویت قوا دارند. دکلن رایس جزو گزینه‌های است که نامش در هفته‌های اخیر زیاد به گوش رسیده، اما بعید است پدیده اول وستهم هم قیمتی پایین‌تر از ۴۰ میلیون پوند داشته باشد. تازه در این میان سولشر و دستیار اولش، مایک فیلن، خیلی زود جیدون سانچو و متیاس دلیخت را هم به دست فراموشی سپرده‌اند. وقتی تمام این معادلات را کنار هم قرار می‌دهیم نگرانی‌های هواداران یونایتد برای فصل آینده، در حالیکه هنوز پیش‌فصل هم شروع نشده، را درک می‌کنیم. پرافتخارترین تیم تاریخ لیگ برتر برای اینکه حتی نزدیک روزهای اوجش شود، راهی دور و دراز پیش رو خواهد داشت، راهی که در یکی دو پنجره نقل و انتقالات به هیچ وجه قابل طی کردن نیست.



دست‌نیافتنی به رده سوم جدول لیگ برتر رسید، اما «ساریسمو» یا «ساری‌بال» که تعریفی از فوتبال تمام ته‌اجمی و زیبا دارد، خیلی کم در استنفورد بریج به نمایش درآمد.

نکته کلیدی دیگر برخورد ساری با ستاره‌های مغرور و متب‌ت‌خواه اسکوادش است. آیا ساری می‌تواند برخوردی که الگری با لئوناردو بونوچی داشت را با کریستیانو رونالدو داشته باشد. آیا ساری با باور کمش به سیستم چرخشی می‌تواند تمام بازیکنانش را راضی نگه دارد؟

الگری مربی‌ای بود که کارش را آسان جلوه می‌داد و بدون سر و صدا جام پشت جام می‌برد. ساری مربی‌ایست که تمسبیگر روی نیمکت می‌مکد و انگشت میانی‌اش را حواله هواداران حریف می‌کند و حرف‌هایی می‌زند که دیگر جایی در سال ۲۰۱۹ یا اصلاً در سال دیگری ندارد. الگری و یووه برای هم ساخته شده بودند. ساری اما انقلابی‌ای روی سه سلطه مطلقه بیانکونری طغیان کرد و حالا خودش را برای سر فرمانروایی، در قصر پادشاهی بیند.

تغییر خط و خطوط روی پیراهن خیلی ساده‌تر از تغییر ذات و سنت باشگاه است. جذابیت انتخاب ساری هم، حداقل برای تماشاگران بی‌طرف همینجاست. ساری و یوونتوس ماجراجویی بسیار تماشایی‌ای پیش رو خواهند داشت، راهی که شاید به فتح چمپیونز لیگ منجر شود و شاید به اخراج هودنگام مربی سابق ناپولی.

پس از اینکه نوبت به دیدار حساس «لال‌کلاسیکو» رسید؛ جایی که رئال با حضور ۹۰ دقیقه‌ای دی‌ماریا در تیمکوب با ۵ گل تحقیر شد! البته در فینال جام حذفی همان سال، مادریدی‌ها انتقام این شکست سنگین را گرفتند، آنهم در شرایطی که پاسک کِل برای بازی را دی‌ماریا برای رونالدو ارسال کرد و در ادامه با بالا گرفتن درگیری‌ها از زمین باری اخراج شد!

یک هفته بعد، ستاره آرژانتینی شاهد هنرنمایی هم‌وطن فرامیزی‌اش بود، ستاره‌ای که «مارسلو»، «سرخو راموس» و «پاکر کاسیاس» را در دیدار رفت مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا مقهور قدرت و جادوی خود کرد و به این ترتیب تیم قدرت رهبری مورینیو توسط لوک از دور رقابت‌ها کنار رفت و به فینال نرسید. خوب یا بد، دوران حضور آقای خاص روی نیمکت قوهای سپید سرانجام به پایان رسید و «کارلو آنچلوتی» با ساموریت ترمیم رختکنی آشفته که شرایط روزه بود به مادرید آمد و با بودجه‌ای خوب وارد بازی شد. جدا از خرید «گرت بیل» – گران‌ترین بازیکن جهان در آن زمان – مادریدی‌ها «ایسکو»، «دنی کارخال» و «پارامندی» را جذب کرد و تا جای خالی «کاکا»، «گوسالو ایگویان»، «کاروالیو» و «اوزیل» را پر کنند.

«بیل»، «رونالدو» و «بنزما» مثلث خط حمله رئال را تشکیل می‌دادند و به نظر می‌رسید که دی‌ماریا جایی در برنامه‌های کارلتو ندارد و باز هم به نیمکت دوخته خواهد شد اما ۳سال کار کردن زیر نظر مورینیو از وینگر سابق نجیف، بازیکنی مراز ساخته شد، هر چه پیش رفت، رفت، او در جناح چپ خط میانی بیشتر جا افتاد و به مرور در کنار «ژاوی لوئیس» و «لوکا مودریچ» به عضو ثابت خط هافبک مادریدی‌ها تبدیل شد و خدمتی به تیم ارائه داد که در تودن سایرین نبود. ضمن اینکه با توجه به میل هجومی و خلاقیت بالایش، یک هافبک کامل قلمداد می‌شد، هافبکی که با ارسال دو پاس گل برای «الوارو موراتا» در هفته پایانی لالیگا، عنوان «بهترین پاسور فصل» را از آن خود کرد.

«آنخل دی‌ماریا» بدون شک از بزرگترین و سریع‌ترین استعدادهای نسل خود بود اما اغلب نام

شماره ۲۷۵۲

اخبار

مسی Vs رونالدو؛ اگر نخواهید هم دیده می‌شوید!

دو ستاره برتر یک دهه گذشته فوتبال دنیا به عنوان برترین‌ها و پرفروش‌ترین داستان‌های زندگی عصر ما، مورد تحسین همگان هستند اما شواهد از پایان دوران دوئل تاریخی مسی و رونالدو حکایت دارد.

شاید نه به شکل مساوی اما با تقدم و تاخر در برخی مولفه‌ها، بزرگ‌ترین ستارگان عصر لایق بالاترین تمجیدها هستند چون دستاوری کم‌نظیر نه فقط برای فوتبال بلکه برای عالم ورزش رقم زده‌اند، با این حال این رقابت جذاب، نیمه تاریک و شروانه‌ای هم دارد. مسی و رونالدو در یک رقابت دو نفره، فراتر از بقیه فوتبالیست‌ها دل تمام دوربین‌ها را برده‌اند، تمام جواشی را به خودشان اختصاص داده‌اند و استعاره «من برتر از تو هستم» جایگزین «من بهترین بازیکن جهان هستم» شده؛ آنچه بازتابی از یک رقابت دو نفره و نه جهان شمول تلقی می‌شود. با مسی و رونالدو شاهد شکسته شدن همه رکوردهای تاریخی بودیم اما سایه آن‌ها اقتدر بر سرفوتبال سنگینی کرده که دیگران دیده نشدنند یا اگر هم استعداد بالایی داشتند، زیر سایه این دو غول به چشم نیامده‌اند. البته باید توجه داشت این دو بدون شک‌های تاریخی داشته باشند، وقایع خوبی نداشته‌اند، البته اگر زلاتان را فاکتور بگیریم؛ نه نیمار و نه هیچ بازیکنی حتی نزدیک استانداردهای مسی و رونالدو نرسیدند.

ماجرای تأثیر گذاری

مسی و رونالدو به اندازه امثال کرایف، پله، بکن‌باوئر و مارادونا در چند جنبه تأثیرگذار نیستند. پله در سانتوس و تیم ملی برزیل توانان می‌رخشید و وقتی به کاسموس نیویورک رفت، آن سوی آتلانتیک را هم گرفتار ویروس خودش است. بکن‌باوئر برای تیم ملی آلمان هم به اندازه بایرن تأثیر و قدرت داشت. مارادونا تنها بازیکن تاریخ فوتبال است که یک تنه یک جام جهانی برای تیمش به ارمغان آورد و از بوکاجونیورز و بارسلونا گرفته تا ناپولی و سویا یک ستاره بدون بحث بود. کرایف هر چند در رده ملی و میادین بزرگ به اندازه نامش بزرگ نبود اما در بارسلونا تاریخ را به قبل و بعد از خودش تقسیم کرد؛ درست مثل کاری که مسی در بارسلونا انجام داد. با این حال هنوز این سوال وجود دارد؛ آیا مسی اگر در تیمی غیر از بارسلونا حضور داشت هم چنین درخششی را بروز می‌داد؟ اگر ملاک قضاوت، عملکرد تقریباً همیشه نامطلوب او در رده ملی باشد، پاسخ این سوال منفی است. شاید در این زمینه، رونالدو یک گام جلوتر باشد چون در فصل سپری شده لیگ ایتالیا با وجود ناتوانی در تصاحب کفش طلای اروپا، بهترین بازیکن این لیگ و اولین بازیکن برنده عنوان بهترین بازیکن فصل در ۳ لیگ اسپانیا، انگلیس و ایتالیا شد.

لطف شبکه‌های اجتماعی

جامعه‌شناسان اعتقاد دارند در اوج عصر تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی قرار داریم و اگر واقعا اینگونه باشد، مسی و رونالدو خیلی خوشبخت هستند. این روزها شما در دورترین نقطه یک کشور فقیر در گوشه پرتی از دنیا با تقلید شادی پس از گل یک ستاره می‌توانید پیراهن امضا شده او را دریافت کنید. فقط کافی است گوشی شما دوربین و شارژ داشته باشد. در این صورت فیلمتان با هشتگ‌های خاص دست به دست شده و به شخص مورد نظر می‌رسد. در اوج این گونه اقدامات، هر اقدام مسی و رونالدو زیردربین قرار می‌گیرد. اگر در ثانیه‌ای از یک بازی بی‌اهمیت به رقیب چشمک بزنند، سریع تازی می‌شوند و این وضعیت کاسیکارانه، کیفیات البته بالای آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چه کسی دوست ندارد جای آن‌ها باشد؟ در دهه ۹۰ و زمانی که فوتبال حداقل دهه بزرگ داشت، شبکه اجتماعی وجود نداشت و تنها بازی ستارگان، می‌توانست ما را عاشق آن‌ها کند. گناه توقف زایش استعداد و محبوب شدن شبکه‌های اجتماعی گردن مسی و رونالدو نیست اما اینکه تا حدود زیادی فقط ماشین گلزنی و ثبت رکوردها هستند، ابهامی است که باید پاسخش را به خیلی از مسائل از جمله خودشان ربط داد!

بارسلونا در راه تبدیل شدن به یک تیم کهکشانی

تابستانی داغ و شلوغ انتظار باشگاه بارسلونا را می‌کشد. نیمار هم مثل همیشه سوژه شماره یک تابستانی خواهد بود. در مادرید بر این اعتقادند که نیمار اگر قصد بازگشت به لالیگا را دارد، رئال را انتخاب خواهد کرد و در کاتالونیا نیز نشانه‌ی اسبپورت روی بازگشت نیمار به بارسا پافشاری می‌کند. دیگر نشریه ورزشی معتبر کاتالونیا یعنی مونودوپورتیوو نیز امروز گزارش داده است که بیشتر اعضای باشگاه بارسلونا با بازگشت نیمار مخالف هستند. آلبرت ماسنو، خبرنگار معروف دیاریو اسبپورت که تحولات مربوط به نیمار را به دقت تحت تعقیب دارد، گزارش داد که جوزپ ماریا بارتنوتو، رئیس باشگاه بارسلونا نت تنها خواهان نیمار است که قصد دارد آنتوان گریزمان را نیز به خدمت بگیرد. اتفاقی که می‌تواند بارسا را به یک تیم کهکشانی بدل کرده و خط حمله این تیم را مخوف تر از همیشه کند. جذب نیمار و گریزمان به صورت همزمان، دشواری های بسیاری دارد اما تا همین دو هفته پیش، جذب نیمار جرمین ممکن به نظر می رسید و حالا دیگر اینگونه نیست. با گریزمان هم، زمستان گذشته پیش قرارداد به امضا رسیده و دو طرف منتظر ۱۰ تیر هستند تا انتقال را نهایی کنند.بارسا طبق ادعا اسبپورت، بارسا نیمار سه شرط گذاشته و در صورت عمل به آنها، برای جذب او به صورت جدی اقدام خواهد کرد. ابتدا اینکه او از دستمزد ۳۰ میلیون یورویی خود بکاهد. دوم او باید شکایت خود از بارسا با عدم پرداخت پاداش تمدید قرارداد با سال ۲۰۱۶ را پس بگیرد و سوم اینکه رسماً از هواداران و باشگاه برای ترک بارسا در سال ۲۰۱۷ عذرخواهی کند.